

## دریچه: تحلیل عادات

### جبر یا تعامل؟

بیش فرض‌های جبر فرهنگی



حسن محرابی  
پژوهشگر

نظریه جبر فرهنگی یک نظریه در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی است و به سبب کارکرد گسترده‌اش تأثیر اجتماعی بسیار زیادی دارد.

اصولاً عقاید، معانی، باورها و ارزش‌هایی که افراد به عنوان اعضای جامعه یاد می‌گیرند، ماهیت انسان را تعیین می‌کند. مردم همان چیزی هستند که یاد می‌گیرند در این خصوص دیدگاه خوش‌بینانه فرهنگی هیچ محدودیتی برای توانایی‌های انسان برای انجام هر کاری که می‌خواهد قائل نیست. برخی از مردم‌شناسان معتقدند هیچ انحصاری و «راه ویژه» جهانی برای انسان بودن وجود ندارد اما در دیدگاه جبر فرهنگی «راه درست» تقریباً همیشه «راه ما» است. که «راه ما» در یک جامعه تقریباً هرگز با «راه ما» در هیچ جامعه دیگری مطابقت ندارد.

حال آن‌که نگرش صحیح برای یک انسان آگاه؛ فقط می‌تواند مدارا باشد اما نسخه خوش‌بینانه این است که طبیعت انسان انعطاف‌پذیری بی‌نهایت دارد، به همین جهت می‌تواند راه‌های مختلفی را در زندگی انتخاب کند اما نسخه بدبینانه یا همان نظریه جبر فرهنگی معتقد است مردم همان چیزی هستند که شرطی شده‌اند. این چیزی است که انسان‌ها کنترلی بر آن ندارند. انسان‌ها موجوداتی منفعل هستند و هر کاری که فرهنگ‌شان به آن‌ها می‌گوید انجام می‌دهند. این دیدگاه، علل رفتار انسان را در قلمرویی قرار می‌دهد که کاملاً خارج از کنترل انسان است. البته باید اشاره کرد که اصولاً تأکید بر نقش و کارکرد اجتماعی فرهنگ به‌ویژه در دوران مدرن و متأخر اهمیت بسزایی یافته است. فرانتس بواس، انسان‌شناس آلمانی-آمریکایی، اولین کسی بود که فرهنگ را به عنوان مفهوم اصلی برای شناسایی رفتار انسان به جای عوامل بیولوژیکی معرفی کرد. به نظر او، برای این که انسان به یک گروه اجتماعی تعلق داشته باشد، باید به هنجارهای فرهنگی در محیط خود پایبند باشد. او هم چنین رابطه بین ادراک انسان و جهان طبیعی را فرموله کرد. در این دیدگاه فرهنگ به طرز بسیار ظریفی هر جنبه‌ای از زندگی انسان را عمدتاً از طریق ایده‌ها، نگرش‌ها و سنت‌هایی که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، دیکته می‌کند. به همین جهت فرهنگ یکی از راه‌های اساسی است که در آن مفاهیم، الگوها و جهت‌گیری‌های فرهنگی فرآیندهای روان‌شناختی را تعیین می‌کنند.

فرانتس بواس بر این باور بود که فقط تاریخ‌های فرهنگی دقیق جهان به جای کل نظریه تکامل، ثبت دقیقی از وجود انسان ارائه می‌دهد. اعتقاد او این بود که بسیاری از فرهنگ‌ها به طور مستقل رشد کرده‌اند و هرکدام بر اساس مجموعه‌ای از زمینه‌های خاص خود مانند جغرافیا، آب و هوا، محیط زیست، منابع و وام‌گیری فرهنگی خاص، به نوبه خود زندگی انسان را در آن منطقه خاص شکل می‌دهد. با توجه به نقش بنیادین دیدگاه فرهنگی باید اشاره کرد که در جبرگرایی فرهنگی اعتقاد بر این است که همه رویدادهای جهان به‌طور علی‌الاجتناب‌ناپذیر هستند؛ در نتیجه جبرگرایی که همه چیز را به‌طور علی‌الاجتناب‌ناپذیر تعریف می‌کند، بدین معناست که هرگاه فردی تصمیمی می‌گیرد یا عملی را انجام می‌دهد، امکان دیگری برای وقوع تصمیم یا عمل دیگری وجود ندارد. این طرز تلقی، اعتقاد به سرنوشت جبرگرایانه است، زیرا بیان می‌کند که همه اعمال و تصمیمات از پیش تعیین شده است. در نتیجه، جبرگرایی با اعتقاد به اراده آزاد، که بیان می‌کند انسان‌ها قادر به تصمیم‌گیری کاملاً مستقل هستند؛ ناسازگار است.

جبر فرهنگی این باور است که فرهنگ، رفتار ما را به طور گسترده‌ای از طریق سازمان‌های اقتصادی، سیاسی و آموزش دیکته می‌کند. اما باید اشاره کرد که جبر فرهنگی واقعیت ندارد. وقتی مردم از فرهنگ‌های مختلف در هر کشور به شیوه‌ای متفاوت رفتار می‌کنند. قطعاً در جامعه با توجه به شرایط طبیعی و اجتماعی، آموزش‌ها، تجارب و حتی مبنای ژنتیک، امکان بروز، ظهور بهره‌گیری از شیوه‌های فرهنگی متعدد و مختلف وجود دارد. در حقیقت تأثیر فرهنگ به گونه‌ای است که مغز به یک اسفنج فرهنگی تبدیل می‌شود و پدیده‌های فرهنگی را از محیط فیزیکی و اجتماعی مختلف جذب می‌کند، بنابراین در عالم واقع فرهنگ به تعامل و تنوع بیش از جبر گرایی دارد.

# نقاش اسطوره‌های ایران

## گزارش شب کمال‌الملک

### پریسا احدیان

خبرنگار فرهنگی

عصر پنج‌شنبه ۴ مرداد، هفتصدوپنجاه‌هشتمین شب از شب‌های مجله بخارا با عنوان «شب کمال‌الملک» با همکاری گالری فریا در این گالری برگزار شد. این شب به مناسبت انتشار کتاب «یادنامه کمال‌الملک» که به کوشش علی دهباشی و بهنام داراب شباهنگ منتشر شده، برگزار شد و آیدین آغداشلو، جواد طوسی، کیانوش معتقدی و علی دهباشی در آن به سخنرانی پرداختند. در این جلسه هم‌چنین از تمبر برجسته کمال‌الملک با حضور رحیم پرنیا رونمایی شد.

### یادگار سی ساله



در ابتدای این مجلس علی دهباشی ضمن خوش‌آمدگویی به میهمانان درباره فراز و نشیب تألیف یادنامه کمال‌الملک گفت: «یادنامه کمال‌الملک که چاپ سوم و ویرایش جدیدش منتشر شده، مجموعه مقالاتی است که سی‌وچند سال پیش بهنام داراب شباهنگ گوشه‌ای از آتیه نقاشی‌اش را به من داد تا در آن‌جا کار تدوین و تهیه مقالات را شروع کنم و از همان روز اول خدمت استاد آغداشلو در کارگاه دانش‌آموزی‌شان در کوه اسکو می‌رسیدم و من را تشویق می‌کردند. مهم‌ترین مقاله در کتاب مقاله‌ای است که استاد آغداشلو در نقد کمال‌الملک نوشته‌اند. صدها صفحه در ستایش کمال‌الملک نوشته شده که به حق هست اما برای اولین بار بود که کمال‌الملک و آثارش مورد نقد قرار می‌گرفت.»

### سند یک تابلو



سپس یاسمین مشاری، از نوادگان (ندیده) کمال‌الملک چنین گفت: «من خودم نقاشی می‌خوانم. در میان عکس‌های این کتاب یک عکس برای من جالب بود. مادر بزرگ مادرم همیشه می‌گفت کمال‌الملک تابلویی کشیده بود ولی خوب این تابلو هیچ‌جا نیست حتی در موزه‌ها و تصاویر کتاب‌ها. برای همین وقتی صحبتش می‌شد همه فکر می‌کردند شاید اشتباه است و تابلو متعلق به کسی دیگری باشد اما در این کتاب تصویری از استودیو است که کمال‌الملک ایستاده و همین نقاشی پشت اوست. این یک سند است و نشان می‌دهد آن تابلو وجود دارد و با وجود این‌که در دست ما نیست و نمی‌دانیم کجاست اما این تابلو هست.»

### نقاش اسطوره‌های ایران

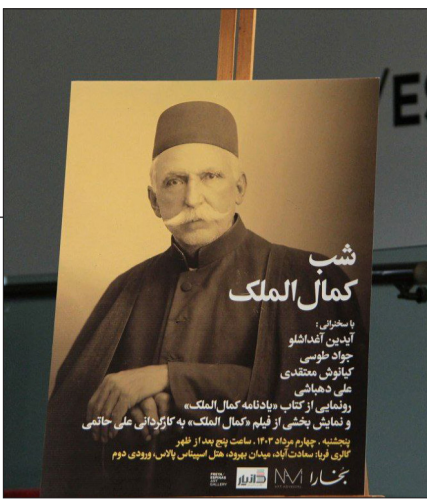


در ادامه آیدین آغداشلو درباره اسطوره در هنر و شخصیت کمال‌الملک گفت: «کمال‌الملک محمد غفاری نقاش اسطوره‌های ایران است. این تاجی است که مردم و تاریخ بر سر برخی می‌گذارند و هیچ‌مقام رسمی نمی‌تواند اسطوره بودن کسی را اعلام کند. این تاج مستقیماً به وسیله و نمایندگی مردم و تاریخ روی سر برخی گذاشته می‌شود. نکته جالبش این است که هیچ‌کس نمی‌تواند این تاج را بردارد یا دوباره بگذارد. این اتفاق در طول تاریخ می‌افتد و در مورد کمال‌الملک این اتفاق

افتاد. او تبدیل به هنرمند اسطوره‌ای شد و بعد در دوران ما یعنی گسترش مدرنیسم این تاج را از سر او برداشتند. ولی حالا گمان می‌کنم تاریخ دارد حکم اساسی‌اش را می‌دهد و دوباره جایگاه او را یادآوری و به او باز پس می‌دهد. نکته‌ای که اغلب فراموش می‌شود این است که کمال‌الملک از جوانی تا زمان کشته شدن ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ ه.ق به رشد خود ادامه می‌دهد و البته او تنها نیست. پشت سرش صنایع‌الملک و همراهش نقاشان دیگری هم هستند. رشد اصلی کمال‌الملک در اوایل دهه شروع آغازین قرن چهاردهم هجری قمری است؛ البته یادمان باشد در اواخر دوره ناصرالدین شاه او تبدیل به نقاش مهم دوران خود می‌شود. نقاش فوق‌العاده‌ای است و حشش این بود که مقام اسطوره‌ای پیدا کند. این ادامه دارد تا دل‌زده از دستگاه زده‌نظر‌الملک شاه قاجار به اروپا می‌رود و آن‌جا رشد

بعدیش شروع شده و نقاش بهتری می‌شود. منتهی نقاش بهتر و بدتر چه معنایی دارد؟ نقاش بهتر یعنی کاری را که می‌خواهد با لیاقت و شایستگی انجام می‌دهد. کمال‌الملک در اروپا معایب کار خود را برطرف می‌کند و از همین جاست که ما می‌فهمیم دارد به جایی می‌رسد که اهمیتش فوق‌العاده افزون بر اهمیت نقاش‌باشی دوران است. دوران اسطوره بودنش از همین جا شروع می‌شود و هزار قصه در موردش وجود دارد و این اسطوره بودن حول این داستان‌ها ساخته می‌شود. البته در این اسطوره بودن چیزهای دیگری هم بوده مثل وقار و هیبتی که در لفظ نقاش‌باشی خلاصه می‌شود. بسیاری از قصه‌ها و اسطوره‌ها شاید واقعی نباشد، مثلاً من در جایی برخورد نکردم که او با رضاشاه درگیری داشته باشد ولی از دوره‌ای از دستگاه به معنای کلی جدا می‌شود و شاید با دل‌زدگی نه با نفرت. اختلافش با وزرا و مدیران کل است. مسأله مشروطه‌خواه بودن او هم به این‌گونه نیست. خوب او به عنوان یک آدم روشن‌فکر و عدالت‌خواه طبیعی است با دستگاه محمدعلی شاه قاجار تعارض داشته باشد ولی

تعارض خود را چگونه نشان می‌دهد؟ نقاشی می‌کشد. او مهم‌ترین مدرسه هنرهای تجسمی دوران خود را تأسیس می‌کند و حیثیت و رسمیت به هنر نقاشی می‌دهد. این اسطوره بودن به‌وسیله کسانی که عاشقش هستند دامن زده می‌شود. دکتر قاسم غنی مهم‌ترین است و بسیاری از رجال‌هایی که همراه او هستند. در دوره بعد اسطوره‌زدایی از او شروع می‌شود. مثلاً این‌که کمال‌الملک در زندگیش بالا و پایین بسیاری داشته! مگر ناپلئون بناپارت در زندگیش بالا و پایین نداشته است؟ یا بسیاری دیگر؟ این اتفاقات می‌افتد ولی تا وقتی آن آدم اسطوره نشده با زکو نمی‌شود و در بخش اسطوره‌زدایی است که نمایان می‌شود. بعد فوت او زمزمه‌های اسطوره‌زدایی شروع می‌شود و بهانه‌ها زیادتراست. یکی از مسائلی این است که او در زندگی خصوصیش و در مورد همسرش جفاکار بوده است اما خوب کمال‌الملک از بسیاری از بازماندگانش حمایت کرده و در حششان پدری می‌کند. او خوب می‌فهمد کجا ایستاده است. مورد بعد این‌که کمال‌الملک مثل عکس نقاشی می‌کند. یا چرا وقتی او در پاریس بود با امپرسیونیست‌ها ملاقات نکرد؟ چرا چشمش را روی دنیای معاصر بست و ... این‌ها همه ناپیچا است. باید دید آرزوی کمال‌الملک چیست؟ آن‌هایی که مثل عکس‌ها از روی عکس‌کار می‌کنند کمال‌الملک نیستند، آن‌ها کسان دیگری هستند. او دنبال حس لحظه می‌گشت. بسیاری او را عامل بدبختی نقاشی ایرانی می‌دانند! این درست نیست! او نقاشی ایرانی را عقب نینداخت بلکه جلو برد. به این معنا که نقاشی را به عین واقعیت نزدیک کرد. او در کمال‌الملک انصافی



مورد تمسخر قرار گرفت. نقاشی آکادمیک بخش عمده‌ای از نقاشی است. نمی‌شود او را پایین کشید. کمال‌الملک سر جایش است. حالا دوره بازنشاسی کمال‌الملک در جایگاه خودش است. باید هنرمند را در راستای آرزو و آرمانش نگاه کرد و دید او چه تغییری در دوران خود ایجاد کرده است. تغییری که کمال‌الملک ایجاد کرد، تغییر مهمی است. هنر آرزویی است که اجرا می‌شود؛ امری خصوصی که عمومی می‌شود. ببینیم او در این حوزه چه کرد و کجا ایستاد. من جز احترام برای او جایی ندارم.»

### سرگ کشیدن در تاریخ



پس از نمایش سسکانس‌هایی از فیلم سینمایی «کمال‌الملک» ساخته زنده‌یاد علی حاتمی، جواد طوسی در نقد فیلم‌های تاریخی علی حاتمی گفت: «اگر ما نهضت موج نو را در اواخر دهه چهل و نیمه اول دهه پنجاه سینمای ایران لااقل در حد یک رفم بپذیریم، فکر می‌کنم در مقایسه با باقی فیلم‌سازانی که شکل‌گیری موج نو را رقم زدند، علی حاتمی یک نمونه استثنایی است در جهت پرتره‌نگاری. تفاوت زیادی که زنده‌یاد علی حاتمی دارد این است که این پرتره‌نگاری را در حوزه تاریخ موضوعیت می‌بخشد و یک نگاه و خوانش متفاوت از حوزه تاریخ را در معرض دید بیننده قرار می‌دهد. حاتمی در فیلم کمال‌الملک سساحت هنرمندی را در موقعیت‌های بصری قرار می‌دهد. قسمت‌هایی در فیلم از زاویه دید خود کمال‌الملک است و قاب‌بندی‌ها از مقوله نقاشی وام می‌گیرد. انگار کارها تابلویی را نشان می‌دهد که بیننده با گذر شتابان تاریخی رویه‌رو است و این روی تاریخی همواره بدون این‌که بخواهد خود را به قاب تحمیل کند دارد بر پیکره تاریخ سرگ می‌کشد.»

### فرزند زمانه



در پایان کیانوش معتقدی در مورد اشتباهات تاریخی در متون تاریخ هنر چنین بیان داشت: «اولین نکته اینکه اطلاعات و اشتباهات تاریخی زیادی هست که درباره شخصیت کمال‌الملک وجود دارد. در این کتاب بازنویسی‌هایی انجام و برخی از این موارد تصحیح شده و نباید فراموش کنیم که بحث تاریخ‌نگاری هنر در ایران بسیار بحث پیچیده است. چون نه متدولوژی مدونی داریم نه سنت درستی در نگارش تاریخ هنر. پس در نگاه منصفانه به کمال‌الملک باید اشتباهات تاریخی تصحیح شود. باید در فیلم‌های تاریخی مراقب باشیم چون تأثیر فیلم خیلی بیشتر از کتاب است. به بخش مهمی از نقاشی‌های کمال‌الملک در کتاب‌های تاریخ هنر پرداخته نشده است و در برابر پرتره‌ها که اصولاً در ذهن ما هست تصویری از چشم اندازهای ایران در نقاشی‌های او وجود دارد. تصاویر عموماً از شمال ایران است و این اتفاق مهم برای تاریخ هنر ماست که نقاشی از درون آتیه بیرون می‌آید که دست‌آورد اوست. مسأله دیگر اصرار بر زدن کمال‌الملک و نادیده گرفتن جایگاه درست او است و این دعوی کهنه‌ای که آیا کمال‌الملک به هنر نقاشی خیانت کرده یا خدمت، بحثی است که تا به امروز ادامه دارد اما به باور من کمال‌الملک فرزند زمانه خود بوده و بهترین کار خود را ارائه داده است. او مهره مهمی در مطالعات تاریخی هنر ایران است و باید این ویژگی‌های درست شناخته شود.»

## آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی فشرده ۱-۵۷-۱۴۰۳ با موضوع «خدمات ایاب و ذهاب پرسنل سیر و حرکت و ناوگان»



اداره کل راه آهن کرمان

اداره کل راه آهن کرمان در نظر دارد بنابر آیین‌نامه اجرائی بند چ ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی مناقصه گران واجد شرایط جهت دعوت به مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) به شرح زیر و از محل ماده واحده قانون اصلاح ماده ۵۶ قانون الحاق مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۷ تصویب نامه شماره ۶۴۴۵۴ت/۹۱۳ ه ۵۰ مورخ ۹۳/۶/۲۰ اقدام نمایند.

لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری فراخوان مناقصه از دریافت و تحویل اسناد ارزیابی تا تهیه لیست پیشنهاد دهندگان دارای صلاحیت از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام خواهد شد.

- ۱- شرح مختصر موضوع مناقصه: «خدمات ایاب و ذهاب پرسنل سیر و حرکت و ناوگان»
- ۲- مبلغ کل برآورد: ۳۳۲۳۲۰۴۰۰۰۰ ریال
- ۳- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۱/۶۶۶۱۰۲۰۱۰۰ ریال
- ۴- ارائه قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.
- ۵- مدت و محل اجرا: مدت اجرا ۱۲ ماه بوده و محل انجام طبق اسناد مناقصه می‌باشد.
- ۶- فراخوان مناقصه فوق از طریق پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات <http://iets.mporg.ir> اطلاع رسانی می‌گردد.
- ۷- مهلت دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۵/۱۵ اسناد را از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) دریافت نمایند.
- ۸- مهلت بازگذاری اسناد تکمیل شده: متقاضیان می‌توانند حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۵/۲۷ اسناد را از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) اسناد را بازگذاری نمایند.
- ۹- مدت اعتبار ضوابط‌های شرکت در فرآیند ارجاع کار بر اساس آیین‌نامه تضمین دولتی دارای سه ماه می‌باشد و به درخواست کارفرما به مدت سه ماه دیگر قابل تمدید می‌باشد
- ۱۰- پیشنهاد دهندگان در صورت عدم عضویت قبلی ضروری است مراحل ثبت نام در سایت [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی جهت شرکت در فراخوان را محقق سازند. در صورت بروز هر گونه ابهام با شماره ۱۴۵۶ (بشتیانی سامانه ستاد) تماس حاصل نمایند.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶